

تشیان

شماره ۲۰

سال چهارم آوریل ۲۰۰۳



احساس اهمیت در اثر خشنود ساختن مردم

بخش سوم

از کشیش تَت استیو آرت

معیاری بالا را انتظار داشته باشد، و جایی برای شکست یا اشتباه قائل نشود. شخص کمال‌گرا برای اینکه از خود احساس رضایت کند، باید به این معیار بالا دست یابد، و چنانچه شکست خورد، دچار افسردگی می‌شود. راه آزادی در درک آموزه کتاب مقدس در خصوص عادل‌شمردگی به واسطه ایمان یافت می‌شود (رومیان ۵: ۱-۵) و نیز در این حقیقت گرانبها که خدا ما را بخاطر مسیح پذیرفته و دیگر زیر هیچ محکومیتی قرار نداریم (رومیان ۸: ۱).

جلب رضایت مردم!

اما مانع بر سر راه جستجو برای یافتن اهمیت واقعی خویشتن در مسیح، فقط این دو دام نیست، بلکه این دروغ شیطان نیز هست که برای احساس رضایت از خویشتن، باید تأیید برخی از مردم را به دست آوریم. در دنیایی که ما زندگی می‌کنیم، (ص ۹)

دوست دارد و ما را بر حسب فیض و رحمتش پذیرفته، هنوز بدرستی درک نشده است (افسیان ۲: ۸-۹).

مردم کاملاً روشن به ما می‌فهمانند که اگر انتظاراتشان را برآورده نسازیم، ما را تأیید نخواهند کرد و نخواهند پذیرفت

سپس به بررسی دام دیگری پرداختیم که خادمی که دچار آن می‌شود، زمانی احساس رضایت می‌کند که به معیارهای غیرواقع‌بینانه خود برای انجام کار دست یابد. ما این را «دام نحوه انجام کار» نامیدیم و دیدیم که این دام می‌تواند شکل معیارهای مذهبی را به خود بگیرد که شخص می‌کوشد به آنها برسد (شریعت‌گرایی)، یا شکل کمال‌گرایی را می‌یابد و سبب می‌شود شخص از خویشتن

«آیا این سخن می‌رساند که من رضایت آدمیان را می‌خواهم؟ خیر! من فقط رضایت خدا را می‌خواهم. و آیا قصدم خشنود ساختن مردم است؟ اگر تاکنون قصدم این بود، خادم مسیح نمی‌ماندم» (غلاطیان ۱: ۱۰، ترجمه مؤده برای عصر جدید).

مرور: دو دام نخست

در دو شماره پیشین، کوشیدیم دریابیم که در مسیح چه جایگاهی داریم، و در این راستا، به بررسی دامی پرداختیم که گریبانگیر خادمین می‌شود و نگرش ایشان را در خصوص دیگران و خودشان بسوی تباهی و گناه می‌کشاند. دیدیم که این دست از خادمان تحت کنترل روح رقابت قرار دارند و برای احساس ارزش، دست به انتقاد از دیگران می‌زنند. این رفتار در میان خادمین بسیار رایج است و نشانه‌ای است قطعی از اینکه آزادی کامل در مسیح هنوز بدست نیامده و واقعیت رهایی‌بخش خداوند ما عیسی مسیح که ما را

(ص ۱ ❀)

انسانهاست، دچار بی‌ثباتی عاطفی بسیار می‌شود (مزمور ۱). چه مبارک است کسی که مطابق حقایق الهی زندگی کند و از بدکاران مشورت نگیرد. کسی که در پی جلب نظر مردم است، محرکش هوس‌ها و خواسته‌های مردم است و احساسات و عواطفش همچون امواج دریا متلاطم است. وقتی با نارضایتی

کسی که هدفش خشنود ساختن انسانهاست، به آسانی آلت دست دیگران قرار می‌گیرد

و انتقادات مردم مواجه می‌شود، دچار افسردگی می‌گردد، و وقتی دیگران خشنودند، او نیز شاد می‌شود. او مانند کسی می‌شود که در یعقوب ۱: ۶-۹ توصیف شده است.

● کسی که هدفش خشنود ساختن انسانهاست، به آسانی آلت دست دیگران قرار می‌گیرد و خودش نیز در این وسوسه می‌افتد که دیگران را آلت دست قرار دهد. ترس از طردشدگی از سوی بعضی از افراد، او را برده‌ی ایشان می‌سازد، یا از او فردی مستبد پدید می‌آورد که حاضر نیست عقاید هیچکس را بپذیرد. من بعضی از شبانان را دیده‌ام که از موقعیت خود بهره‌جسته‌اند و با ابراز نارضایتی از گله خود، سبب آزرده‌گی خاطر آنان گردیده‌اند. ایشان کوتاهی اعضای کلیسای خود را در زندگی روحانی‌شان برجسته ساخته‌اند و آنان را ناشایسته‌ی عنوان

(❀ ص ۱۲)

می‌شویم تا این خلأ را پر سازیم. من مایلم پنج دام را با شما در میان بگذارم که مربوط می‌شوند به خشنود ساختن انسانها بجای خشنود ساختن خدا.

● کسی که هدفش خشنود ساختن انسانهاست، اولویت را طبعاً به جلب رضایت مردم می‌دهد تا به اطاعت از خدا (اول تسالونیکیان ۲: ۴-۶). اگر با چنین وسوسه‌ای در کشمکش هستید، وسوسه خواهید شد تا حقیقت را بخاطر حفظ دوستی زیر پا بگذارید. اخیراً یکی از اعضای کلیسایم به من تلفن کرد و خواست که مراسم ازدواج را برای دوستش انجام دهم. خیلی زود متوجه شدم که او می‌خواست این مراسم را روز بعد انجام دهم و اینکه خانمی که می‌خواست ازدواج کند، مسیحی نیست. فوراً دانستم که نمی‌توانم چنین کاری انجام دهم و وقتی اعتقاد را برای او توضیح دادم، از من رنجید و مأیوس شد. او فکر می‌کرد که دوستی ما می‌بایست بیش از تصمیم به اطاعت از خدا برایم ارزش داشته باشد. اگر در پی جلب خشنودی مردم بودم، می‌بایست در خصوص ایمانم سازشکاری می‌کردم و طبق درخواست او عمل می‌کردم.

کسی که در پی جلب نظر مردم است، محرکش هوس‌ها و خواسته‌های مردم است و احساسات و عواطفش همچون امواج دریا متلاطم است

● کسی که هدفش خشنود ساختن

مردم کاملاً روشن به ما می‌فهماند که اگر انتظاراتشان را برآورده نسازیم، ما را تأیید نخواهند کرد و نخواهند پذیرفت. این عدم تأیید می‌تواند به اشکال گوناگون جلوه‌گر شود. چه کسی از میان ما زیر بمباران و حملات لفظی دیگران قرار نگرفته و درد جانکاه قضاوت و طردشدگی را نچشیده است؟ چه کسی در اثر طردشدگی عاطفی از سوی خانواده و دوستان، دچار سرخورده‌گی نشده است؟ چه کسی در اثر شنیدن انتقادات خشن، دلشکسته نشده است؟ اینها واقعیت‌های زندگی است، خصوصاً برای خادمان مسیح.

پولس می‌داند که ما تشنه‌ی این هستیم که مورد محبت خدا باشیم، و هرگاه این محبت و پذیرش را احساس نکنیم، به انسانها متوسل می‌شویم تا این خلأ را پر سازیم

ظاهراً پولس رسول با چنین انتقادات و طردشدگی بیگانه نبود. در غلاطیان ۱: ۱۰، او سؤال مستقیمی را مطرح می‌سازد: آیا تلاشتان این است که انسان را خشنود سازید، یا خدا را؟ اگر می‌کوشید خشنودی انسانها را به دست آورید، خادم واقعی مسیح نیستید.» پولس می‌داند که ما تشنه‌ی این هستیم که مورد محبت خدا باشیم، و هرگاه این محبت و پذیرش را احساس نکنیم، به انسانها متوسل

(ص ۹ ❀)

نتیجه پذیرش کامل ما در مسیح است (کولسیان ۱: ۲۱-۲۲). تا زمانی که برای احساس رضایت، خواهان تأیید انسانها باشیم،

تا زمانی که برای احساس رضایت، خواهان تأیید انسانها باشیم، احساس ضعف و آسیب پذیری خواهیم کرد

احساس ضعف و آسیب پذیری خواهیم کرد. اما رومیان ۸: ۲۸-۳۸ را بخوانید و بپذیرید که مسیح با شماست و در کنار شما می ایستد، و از این طریق، دل خود را تقویت دهید. اگر خدا با شماست، کیست به ضد شما (رومیان ۸: ۳۱)؟ زمانی که بدانیم که احساس اهمیت ما از مسیح ناشی می شود، قادر خواهیم بود که دیگران را بهتر خدمت کنیم و عقاید و انتقادات ایشان را واقع بینانه تر ببینیم. ■

درون خود نگاه می دارد و به این ترتیب، خشم در او مانند دیگ زودپز انباشته می شود. خشمی که فرو خورده شود، افسردگی را پدید می آورد، و خشمی که به بیرون ریخته شود، موجب بدگویی و بروز رفتاری مخرب می گردد. باید بیاموزیم که چگونه حقیقت را با محبت بیان کنیم.

● کسی که هدفش خشنود ساختن انسانهاست، به ندرت دست به خدمت جدیدی می زند، زیرا از نظر دیگران می ترسد، و از امکان شکست هراس دارد. «اما از خلق می ترسیدند... پس او را واگذارده، برفتند» (مرقس ۱۲: ۱۲). این قبیل افراد از نظر روحانی فلج می باشند.

به سادگی می توان مشاهده کرد که شخصی که در پی خشنودی انسانهاست، احساس ارزشمندی نمی کند زیرا محرک او خواسته های مردم است. احساس ارزشمندی

پیروان عیسی قلمداد کرده اند و از این راه آنان را دچار احساس تقصیر بسیار ساخته اند. کار سختی نیست که چنین افرادی را که خواستار رضایت مردمند آلت دست قرار داد، اما این روش مسیح نیست.

کسی که هدفش خشنود ساختن انسانهاست، اغلب خشمگین است زیرا اکثر اوقات قادر نیست احساس واقعی خود را ابراز دارد

● کسی که هدفش خشنود ساختن انسانهاست، اغلب خشمگین است زیرا اکثر اوقات قادر نیست احساس واقعی خود را ابراز دارد (افسیان ۵: ۲۵). از آنجا که می ترسد به دیگران اهانت کند، احساسات خود را در

(ص ۸ ❀)

شرایطی قرار دارد، فکر می کنم که افراد بسیاری هستند که در کلیساهای غیرتشکیلاتی خدمت می کنند و نیاز به روشهای ساده کتاب مقدسی برای رهبری و شاگردسازی دارند.»

نفس نکرده ایم و عنان زندگی خود را به روح القدس نسپارده ایم. امیدواریم این پاسخ مختصر باعث رضایت خاطر خواننده عزیز ما شده باشد.

پاسخ

نظر این خواننده عزیز درست است. سعی ما این است که مقالاتمان متنوع باشد و بتواند برای خادمین در سطوح مختلف مفید واقع شود. اما از این اظهار نظر کاملاً استقبال می کنیم و خواهیم کوشید آن را در برنامه ریزیهای خود مد نظر قرار دهیم. متشکریم. ■

سؤال دوم

خواننده دیگری، ضمن تشویق ما، چنین نوشته اند (باز ترجمه از انگلیسی): «تا آنجا که من متوجه شده ام، اکثر مقالات شما در مورد کلیسا و وظایف شبان، مربوط می شود به شبانان کلیساهای تشکیلاتی (constitutional). به عنوان شخصی که در چنین

مسأله جاه طلبی و ریاست طلبی نه فقط امروز، بلکه در زمان رسولان هم وجود داشت. مگر پولس را کلیسای قرنتس قبول داشت، در حالیکه آن کلیسا را پولس خودش بنیان نهاده بود؟! یوحنا رسول نیز لب به شکوه می گشاید که فلان کس در فلان کلیسا او را قبول ندارد (سوم یوحنا ۸). اگر در زمان خود رسولان کسانی بودند که علیه ایشان قد علم می کردند، دیگر وای به روزگار ما! اشکال در ماست، در این است که پیام اصیل مسیح را که همانا فروتنی و «خالی شدن» است، درک نکرده ایم (فیلیپیان ۲: ۵-۱۱) و انکار

سرسخن

خادمین گرامی مسیح،

مسیحیان اولیه یکدیگر را با این کلمات ساده اما قدرتمند تحیت می‌گفتند: «خداوند بر خاسته است!»؛ و طرف مقابل در پاسخ چنین می‌گفت: «بالفعل بر خاسته است!» من و همکارانم در مجله **شبان** دعا می‌کنیم که در این دورهٔ عید قیام، حقیقتی را که در دعای پولس در افسیانه ۱۸:۱-۱۹ نهفته است، عمیقاً درک کنید که فرمود: «چشمان دل شما روشن گشته، بدانید که امید دعوت او چیست و کدام است دولت جلال میراث او در مقدسین، و چه مقدار است عظمت بی‌نهایت قوت او نسبت به ما مؤمنین.» پولس سخن خود را ادامه داد، توضیح می‌دهد که این قدرت عظیم که در ما عمل می‌کند، همان قدرتی است که خدا به‌کار برد تا عیسی را از مردگان بر خیزاند. این همان قدرتی است که من و شما را از موت به مرگ منتقل ساخت! این خداوند قیام کرده است که مایل است در ما زندگی کند و ما را بیش از حد نصرت و پیروزی بخشد؛ او مشتاق است که زندگی و خدمت ما را با قدرتی آسمانی مسح کند. من و شما باید در نام عیسی و قدرت او خدمت کنیم؛ اما چنین امری زمانی میسر است که با فروتنی در او بمانیم. عیسی فرمود: «جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد» (یو ۱۵:۵). ماندن در مسیح یعنی اینکه در کلام او عمیقاً ریشه بدوانیم و در اطاعت از آن زندگی کنیم (یوحنا ۱۵:۱۰). خدا می‌خواهد که جلال و قدرتش را از طریق ما نمایان سازد، اما برای وقوع چنین امری، باید با او مصلوب گردیم و بگذاریم که حیات نوین او از طریق ما جریان یابد (روم ۶:۱-۱۴).

هدف ما این است که شما را در ایمانتان تشویق کنیم و منابعی را در اختیارتان قرار دهیم که شما را برای خدمت بهتر مجهز سازد. امیدوارم که از سایت farsinet نیز استفاده مثبتی بکنید؛ در این سایت می‌توانید شماره‌های گذشته **شبان** را بخوانید و با نشریات جدید مؤسسه «تعلیم» آشنا شوید، و مقالات مفید برادر آرمان را مطالعه کنید. اگر هنوز جزوات مرا ندیده‌اید (موعظه کتاب مقدسی، و تشخیص اراده خدا)، و مایلید نسخه‌ای از آن را داشته باشید، لطفاً از طریق فاکس یا ای‌میل با من تماس بگیرید تا با خوشحالی یک نسخه از آن را به شما اهدا کنم.

خدمت ما شامل تعلیم در کنفرانسها نیز می‌گردد؛ من و برادر آرمان در تعدادی از این کنفرانسها در اروپا و آمریکای شمالی تعلیم خواهیم داد. اگر در این زمینه خواستار اطلاعات بیشتری هستید، با من در مؤسسه «تعلیم» تماس بگیرید. همچنین مؤسسه ICI و «تعلیم» دومین کنفرانس رهبران را در کولورادو (آمریکا) در این تابستان برگزار خواهند کرد.

تداوم انتشار **شبان** و دریافت نظرات شما برای ما مایه افتخار است. همچنین از شما بسیار سپاسگزارم که مشترکین جدید را به ما معرفی می‌کنید؛ و نیز از کسانی که با هدایای خود ما را پشتیبانی می‌کنند، قدردانی می‌کنم. خدا شما را برکت بدهد.

«آن امانت نیکو را بوسیلهٔ روح القدس که در ما ساکن است، حفظ کن» (۲ تیمو ۱:۱۴).

خادم در مسیح،

تت استیوارت

سر دبیر

مطالب این شماره:

- در جستجوی اهمیت و بزرگی (بخش ۳) (تت استیوارت) ص ۱
- یک تن شدن در ازدواج (بخش ۱۰) (تت استیوارت) ص ۳
- بیماری «ریای باطنی» (بخش ۷) (نینوس مقدس‌نیا) ص ۵
- پاسخ به سؤالات خوانندگان (آرمان رشدی) ص ۷
- طرح کلی برای تهیه موعظه (تت استیوارت) ص ۱۱

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11
Fax: +1-303-873 62 16
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

وظایف شبان

ازدواج مسیحی:

«از آن پس دو نیستند، بلکه یک جسد» (مرقس ۱۰:۸)

نوشته کشیش تت استیو آرت

می‌کنند که «یک بدن شدن» فقط به رابطه جسمانی زن و شوهر اشاره دارد، اما این مفهوم از این فراتر رفته، شامل رابطه‌ای صمیمی و «دل به دل» می‌شود.

آنانی که دست به گریبان مشکلات حاد زناشویی می‌باشند، چه راهنمایی‌هایی عرضه کند. رابطه زناشویی شما هر چقدر هم خوب باشد، قطعاً از درک عمیق‌تر معنا و مفهوم یکی شدن در ازدواج، برای خدمتتان بهره خواهید برد.

در دوره‌ای که خانواده‌ها از سوی ارزشهای خودمحورانه این دنیا تحت حملات سهمگین قرار دارد، بسیار مهم است

بسیاری، ازدواج را فقط برای حفظ ظاهر نگه داشته‌اند، ازدواجی که دو فرد کاملاً تنها را در خود جای داده که از لحاظ عاطفی در حالت طلاق‌اند

ازدواج در مسیحیت رابطه‌ای است استوار بر یک عهد که در آن، یک مرد و یک زن خود را نسبت به یکدیگر برای تمام عمر متعهد می‌سازند. ازدواج سفری است به درازای عمر که در آن خدا به ما فرصت می‌دهد تا بیاموزیم که چگونه از فرایند تسویه‌ای که تدارک دیده تا ما را به شباهت خود در آورد عبور کنیم، و بدینسان بر محبتش توکل نماییم. در قلب این عهد ازدواج، مفهوم کتاب مقدس در باره «یک بدن شدن» قرار دارد. بعضی به اشتباه تصور

صمیمیت زمانی پیش می‌آید که دو طرف از وجود یکدیگر امنیت بیابند بگونه‌ای که از ابراز نیازهای عاطفی و جسمانی خود احساس آسیب‌پذیری نکنند

این صمیمیت شامل هویتی مشترک می‌گردد که طی آن زن و شوهر می‌آموزند که در باره خود در قالب «ما» فکر کنند، نه «من». خدا در طرح مقدس خود در نظر داشت که زن و مرد در ازدواج، با یکدیگر کاملاً باز (☪)

که هر خادم خداوند بداند که چگونه ازدواج خود را از ویرانی و فروپاشی محفوظ نگاه دارد. همچنین شبان باید بداند که کسانی را که ایشان را برای ازدواج آماده می‌سازد، چگونه هدایت کند و مشورت دهد، و نیز به



و صادقانه زندگی کنند طوری که هر یک بتواند احساسات و نیازهای خود را با دیگری در میان بگذارد. کمال مطلوب الهی این بود که هر فردی در شخصیت همسر خود، فردی امن را بیابد که بتواند با او «خودش» باشد و هر دو یکدیگر را در جهت بلوغ روحانی ترغیب نمایند. صمیمیت زمانی پیش می‌آید که دو طرف از وجود یکدیگر امنیت بیابند بگونه‌ای که از ابراز نیازهای عاطفی و جسمانی خود احساس آسیب‌پذیری نکنند.

اکثر اوقات، ما به نیازهای آشکار خود می‌اندیشیم و به اینکه چگونه همسرمان آنها را بر آورده نمی‌سازد

فاجعه

فاجعه اینجاست که بسیاری از زوجها در ازدواجی زندگی می‌کنند که از نظر عاطفی مرده است. برای بسیاری، ازدواج تبدیل شده به امری ظاهری که آن را فقط برای حفظ ظاهر نگه داشته‌اند، ازدواجی که دو فرد کاملاً تنها را در خود جای داده که از لحاظ عاطفی گویی در حالت طلاق قرار دارند. هدف من از نگارش این مقاله این است که به ازدواج‌های جریحه‌دار شده امید بدهم و تشویقشان کنم که به بنیادهای ازدواج مسیحی باز گردند.

راه شفا پر بودن از روح القدس

راه بسوی شفا باید از قلب ما آغاز شود. درست گفته‌اند که اگر کسی می‌خواهد ازدواجش موفق باشد، اغلب اوقات خودش می‌تواند نگرشهای جدیدی را به کار گیرد که قادرند تمام ازدواج را دگرگون سازند. نخستین گام، تسلیم شدن به مسیح است. پولس این اندرز را هم به شوهران می‌دهد و هم به زنان. «همدیگر را در خداترسی اطاعت کنید» (افسیسیان ۵: ۲۱). واقعیت این است که زخمی که شخص از یک ازدواج دردناک احساس می‌کند، عمیقاً بر رابطه‌اش با خدا تأثیر می‌گذارد. بنابراین، راه بازگشت بسوی قلب همسرمان، از قلب خودمان آغاز می‌شود، درست همانگاه که خداوند را می‌جوئیم و از او می‌خواهیم که ما را تفتیش کند و پاک سازد (مزمور ۱۳۹: ۲۳-۲۴). وقتی در روح احیا شدیم، پی خواهیم برد که روح خدا مخزنی است بی‌پایان از محبت و فیض که قلب خود ما را پر ساخته، محبتی جدید نسبت به همسرمان (یعنی شوهر یا زن) در ما ایجاد می‌کند. آنچه که در اکثر ازدواج‌ها رخ می‌دهد، این است که برای احیا شدن، به محبت همسرمان تکیه می‌کنیم، و وقتی محبت لازم را ندیدیم، سرخورده و نومید می‌مانیم. وقتی احساس خلأ می‌کنیم، به دلسوزی به خویشتن و خشم پناه می‌بریم. به همین جهت، بسیار حیاتی است که بدانیم چگونه از روح القدس پر باشیم.

گذشت و بخشیدن

جراحت و نبخشیدن، دو دشمن مهلک برای صمیمیت در ازدواج می‌باشد. پولس ما را ترغیب می‌کند تا خطاهای هر روز را همان روز ببخشیم: «خورشید بر غیظ شما غروب نکند» (افسیسیان ۴: ۲۶). چه آسان است که بگذاریم زخمهای کوچک در قلبمان آشیانه کنند و مواهب روح یگانگی را از ما بربایند.

بجای فکر کردن به نیازهای خود، به نیازهای همسرمان بیندیشیم و به بهترین وجه در جهت بر آورده ساختن آنها تلاش کنیم

آن‌گاه که مایل نیستیم با یکدیگر دعا کنیم یا دوست داریم و قتمان را با چیزهای دیگری صرف کنیم، درست همان زمان است که نیاز داریم همسرمان را ببخشیم. اگر قرار است که شوهران زنان خود را دوست بدارند به همان گونه که مسیح کلیسا را دوست داشت، پس وظیفه ایشان است که برای مصالحه پیش قدم شوند. این به آن معنا نیست که تقصیر همیشه به گردن ایشان است، بلکه به این معناست که ایشان باید برای شفا دعا کنند و با فروتنی ارتباط را با زنان خود برقرار سازند.

وقتی به خدا نزدیک می‌شویم و او نیز به ما نزدیک می‌شود (یعقوب ۴: ۸)، ما نیز در این یقین رشد می‌کنیم که نسبت به عهد ازدواجمان وفادار بمانیم. (ص ۱۰)

(ص ۴ ❀)

کاری درست است. شبان دانا پاسخ داد:

«پیش از اینکه نظرم را راجع به ازدواجت به تو بدهم، می‌خواهم روشی را برای دو هفته آزمایش کنی. می‌خواهم برای دو هفته وانمود کنی که همسرت را دوست داری و فقط کارهایی را بکنی که یک شوهر عاشق برای همسرش انجام می‌دهد. بعد بیا و مرا ببین.» دو هفته گذشت و از آن آقا خبری نشد. بالاخره شبان به او تلفن کرد و پرسید که از مسأله طلاقش چه خبر هست. آقا گفت: «چه می‌گویند؟ من عاشق این زن هستم!»

● حتماً هر روز به نحوی باعث برکت همسرتان (شوهر یا زن) بشوید؛ کار غیرمنتظره‌ای بکنید تا محبت و توجه خود را به او نشان دهید.

● همسر خود را با کلماتی تشویق‌آمیز بنا کنید. اکثر اوقات، گفتگوی دو طرف بیشتر شبیه امر و نهی‌های نظامی است تا سخنان شیرین دو عاشق.

● همسرتان را مورد مطالعه قرار دهید. پطرس رسول می‌فرماید: «ای شوهران، با فطانت با ایشان زیست کنید» (اول پطرس ۷:۳). این بدان معناست که ضعف‌های ایشان را کشف کنید و به ایشان در جهت رفع آنها یاری دهید.

● هر روز بکوشید تا از نظر عاطفی به همسرتان نزدیک بمانید. با یکدیگر دعا کنید. به چشمان طرف مقابل خود نگاه کنید و ببینید که چه احساسی در او هست. وقت بگذارید تا به حرف‌های یکدیگر گوش دهید و ببینید در زندگی یکدیگر چه می‌گذرد.

با برخورداری از یک زندگی نزدیک با مسیح و خدمت فروتنانه به یکدیگر، خدا تجربیات بیشتری به شما خواهد آموخت تا با یکدیگر «یک تن» بشوید. ■

خدمت به یکدیگر

نکته دیگری که باید کشف کرد، این است که ازدواج باید خدمتی دوجانبه باشد. همانطور که مسیح ما را خدمت کرد، زن و شوهر نیز باید به یکدیگر خدمت کنند (فیلیپیان ۲:۳-۴). اکثر اوقات، ما به نیازهای آشکار خود می‌اندیشیم و به اینکه چگونه همسرمان آنها را بر آورده نمی‌سازد. و با بیشتر شدن سر خوردگی مان، متوجه می‌شویم که بیش از پیش دچار روحیه انتقاد و ستیزه‌جویی می‌شویم. این یک واقعیت انسانی است، اما دعوت خدا این است که برای کسب نیرو به او نزدیک شویم و سپس بکوشیم بجای فکر کردن به نیازهای خود، به نیازهای همسرمان بیندیشیم و به بهترین وجه در جهت بر آورده ساختن آنها تلاش کنیم. آقایی که در آستانه طلاق بود و از شبانش مشورت خواسته بود، این روش را به کار برد. آنچه که او می‌خواست این بود که شبانش تأیید کند که جدایی او از همسرش

یک فرمول ساده:

● حتماً هر روز به نحوی باعث برکت همسرتان بشوید

● همسر خود را با کلماتی تشویق‌آمیز بنا کنید

● همسرتان را مورد مطالعه قرار دهید

● هر روز بکوشید تا از نظر عاطفی به همسرتان نزدیک بمانید

یک فرمول ساده

اگر می‌خواهید این را آزمایش کنید، فرمول کوچکی را به شما پیشنهاد می‌کنم که

بیماریِ ریای باطنی !!!

نوشتۀ کشیش نینوس مقدس‌نیا

می‌کنید. اوضاع روحانی‌تان چندان رضایت‌بخش نیست، اما مجبورید یکشنبه‌ها را بالای منبر بروید و با موعظه‌ای غرّاً دیگران را مرعوب ابهت روحانی خود سازید. امید خود را به کلیسا از دست داده‌اید، اما چیز دیگری بر زبان می‌آورید. خودتان به آنچه موعظه می‌کنید ایمان ندارید، اما باید یکشنبه‌ها را گذرانند. برای شما این مهم است که ظاهران نزد اعضا موجه جلوه کند. به گفتهٔ مسیح، «ظاهراً به مردم عادل می‌نمایید، لیکن باطناً از ریاکاری و شرارت مملو هستید» (متی ۲۳:۲۸). هیچ حالی برای دعا و موعظه و سرود ندارید، اما باید چهرهٔ شما چیز دیگری را نشان بدهد. هیچ علاقه‌ای به کلیسا و اعضایش ندارید، اما بعد از جلسه باید دست آنان را محکم بفشارید و با لبخند از آنان خداحافظی کنید.

● ریای باطنی شما را از خدا دور و به مردم ریادوست نزدیک می‌کند. دیگر رضایت خدا برایتان مهم نیست بلکه مقام و منزلت و موقعیت اجتماعی مهم است. به دنبال این هستید که مردم شما را ببینند و تعظیم‌تان کنند (متی ۲۳:۵-۶)؛ غافل از اینکه، «شادی شیرین اندک زمانی است و خوشی ریاکاران لحظه‌ای» (ایوب ۲۰:۵). و هر چه از خدا دورتر می‌شوید،

به پا باشد! متأسفانه بعد از مدتی، شبانی که این چنین به ریاکاری و دورویی روحانی عادت کرده، چنان به آن خو می‌کند که این دوگانگی شخصیت جزئی از ذات و طبیعتش می‌شود و بیماری ریا، نه فقط ظاهر بلکه باطن او را هم آلوده می‌سازد. در این حالت دیگر کوچکترین احساس عذاب وجدان به او فشار نمی‌آورد، بلکه همه چیز این گونه توجیه می‌شود که: «من کشیش کلیسا هستم؛ نباید دیگران بفهمند که سرد و مأیوس شده‌ام و اوضاع روحانی‌ام خراب است. فعلاً این یکشنبه هم بگذرد، تا ببینم چه می‌شود!»

باور اعضا به آنان قبولانده که شبان نباید (حتی گه‌گاه هم) دچار ضعف بشود. لذا برای شبان بیچاره راهی جز این نمی‌ماند که خود را همیشه شاد و پیروز و نامتزلزل نشان دهد، حتی اگر درونش آشوبی به پا باشد!

نشانه‌های بیماری

● در خدمت خود صرفاً حفظ ظاهر

به یاد دارم سالها پیش، زمانی که چند ماهی از دستگذاری‌ام می‌گذشت، روزی کشیشی را در خیابان دیدم و هنگام احوالپرسی از من پرسید: «چطوری؟» جواب دادم: «ای‌ی، بد نیستم.» با اشارهٔ انگشت سبابه مرا نزدیکتر خواند و بسیار جدی گفت: «تو الآن کشیش هستی. هر وقت از تو حالت را می‌پرسند باید بگویی، "خدا را شکر، بسیار عالی!"»

هر انسانی خواهان صمیمیت و بی‌ریایی از طرف مقابل است. این نکته بخصوص در روابط کلیسایی میان شبان و اعضا، نمود بیشتری می‌یابد.

همه می‌خواهند شبان کلیسا شخصی روحانی، قوی و بی‌تزلزل باشد، اما باید دید آیا در عمل هم می‌توان چنین شبان کاملی یافت. ما ایمانداران، همه گاهی دچار لغزش می‌شویم، در ایمان خود به سردی می‌گراییم و از روزهای اوج خود دور می‌شویم. این مسأله چندان هم عجیب و غیر طبیعی نیست. اما مشکل اینجاست که باور اعضا به آنان قبولانده که شبان از این قاعده مستثناست و نباید (حتی گه‌گاه هم) دچار چنین حالاتی بشود. لذا برای شبان بیچاره راهی جز این نمی‌ماند که خود را همیشه شاد و پیروز و نامتزلزل نشان دهد، حتی اگر درونش آشوبی



حساسیت روحانی درونی تان هم کمتر می شود. ● بیماری ریای باطنی چنان داغی بر وجدان شما می گذارد که به تدریج خود را تافته جدا بافته می شمارید. فکر می کنید که دستورات و احکام کلام خدا برای دیگران و اعضای ساده کلیسا گفته شده اند، نه برای شما. شما دیگر از این مراحل ابتدایی گذشته اید و در مقام شبان کلیسا می توانید هر طور می خواهید زندگی کنید، این نوایمانان هستند که باید دعا کردن، کتاب مقدس خواندن، بشارت دادن، دروغ نگفتن، غرور نداشتن، دنیوی نبودن، و ... را جدی بگیرند. در واقع همان راهی را می روید که فریسیان می رفتند: «بارهای گران و دشوار را می بندند و بر دوش مردم می نهند، و خود نمی خواهند آنها را به یک انگشت حرکت دهند» (متی ۲۳:۴).

● ریاکاری، شما را از سایر خادمان روحانی دور می کند. حس می کنید که با اشخاص روحانی و صمیمی در خدمت به خدا و به کلیسایش، نمی توانید کنار بیایید. مسأله این است که خودتان را به قدر کافی مجرب می دانید و فکر می کنید که این خادمی که تازه از راه رسیده و همه چیز را جدی می گیرد هم بعد از مدتی مانند شما خواهد شد. به همین دلیل الآن نمی توانید او را تحمل کنید و با او و افکار روحانی اش برای کلیسا کنار بیایید. در واقع او شما را ملزم می کند، به همین خاطر نمی توانید با او کار کنید.

عواقب خطرناک بیماری

اگر خدمت و زندگی شما یکی نباشند، اعتماد اعضا را از دست می دهید. هستند اعضایی که با باطن شبانشان کاری ندارند؛

همین که کلیسا برقرار باشد برایشان کافی است. اما اغلب اعضا نسبت به اوضاع روحانی کشیش کلیسا بسیار حساس اند و به کوچکترین جزئیات زندگی او دقت می کنند. چنانچه در مورد اوضاع نابسامان روحانی خود چاره ای نیندیشید، طولی نخواهد کشید که دیگر حفظ ظاهر امکان پذیر نخواهد بود. خدا هم دیگر به صدقه و عبادت و روزه شما توجهی نخواهد کرد (متی ۶:۲ و ۵ و ۱۶). خدا «امت منافق (دو رو و ریاکار)» را «قوم مغضوب خود» می نامد (اشعیا ۱۰:۶).

به خاطر داشته باشید که برخورد مسیح با ریاکاران و دورویان، بسیار تند و شدید بود، در حالیکه حتی با زانیان و باجگیران چنین نمی کرد

راه درمان

نسبت به وضعیت روحانی خود حساس باشید. شما به عنوان خادم خدا، بیش از هر کس دیگر، در معرض حمله شریر هستید. در جنگ روحانی، شیطان می خواهد شما را به هر نحو که شده از پا درآورد. نگذارید که از درون، شما و کلیسای تان را از هم بپاشد. ● باب ۲۳ انجیل متی را حتماً بخوانید. اگر این سخنان مسیح می توانست کاتبان و فریسیان ریاکار را تکان بدهد، شما را هم حتماً بیدار خواهد کرد. مسیح از شما ایمانی صمیمی و بی ریا می خواهد، نه «بوسه یهودا» را.

● فکر نکنید که با حفظ ظاهر، دارید به بقای کلیسا خدمت می کنید. کلیسایی که با این

تظاهرها بر پا باشد، فرو می پاشد. با کلیسا و بخصوص با هیأت رهبران خود (که قاعدتاً باید از اعضای ساده یک پله بالاتر باشند و این افت و خیزهای روحانی را بهتر درک کنند) صادق و صمیمی باشید. هر وقت خود را خالی می بینید، مدتی دست از کار بکشید و با خود و خدای خود خلوت کنید. ببینید عیب کار کجاست و چه چیزی طراوت روحانی را از زندگی شما فراری داده؛ برای همان چاره کنید. ● هر مسأله ای که هست، صادقانه به دنبال راه حل آن باشید. لازم نیست که مشکلات خود را در رابطه با خدا و با سایر مردم ببوشانید و علی رغم میل باطنی، طور دیگری رفتار کنید. بگذارید همه بدانند که شما چیزی را پنهان نمی کنید و از محاسبه هم باکی ندارید، حتی اگر نتیجه آن مقصّر بودن خودتان باشد. نگذارید هیچ چیز پنهانی در روابط شما و کلیسای تان لانه کند.

خلاصه اینکه

به خاطر داشته باشید که برخورد مسیح با ریاکاران و دورویان، بسیار تند و شدید بود، در حالی که حتی با زانیان و باجگیران چنین نمی کرد. «ای برادران از شما استدعای منم آن کسانی را که منشأ تفاریق و لغزشهای مخالف آن تعالیمی که شما یافته اید می باشند، ملاحظه کنید و از ایشان اجتناب نمایید. زیرا که چنین اشخاص، خداوند ما عیسی مسیح را خدمت نمی کنند، بلکه شکم خود را، و به الفاظ نیکو و سخنان شیرین، دلهای ساده دلان را می فریبند. زیرا که اطاعت شما در جمیع مردم شهرت یافته است، پس درباره شما مسرور شدم، اما آرزوی این دارم که در نیکویی دانا و در بدی ساده دل باشید. و خدای سلامتی به زودی شیطان را زیر پایهای شما خواهد سایید. فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد» (رومیان ۱۶:۱۷-۲۰). ■

سؤال خوانندگان

و پاسخ ما

است و نقشش فقط تعلیم است، نه مدیریت. اعضا متکی به روح القدس بودند، نه برنامه‌های شبان. ۴- علت عدم اتحاد کلیساها در کشور ایشان و فقدان محبت در آنها، تشکیلاتی شدن کلیساها است و اینکه شبان به نحوی جای روح القدس را گرفته است.

با توجه به دسته‌بندی فوق، مطالب زیر را در پاسخ عنوان می‌کنیم.

تشکیلات در کلیسای اولیه

۱- کاملاً درست است که کلیسا، در چند ماه اول حیات خود، شکل بسیار ساده‌ای داشت. علت آن این بود که تعداد مسیحیان هنوز زیاد نبود. اما به محض اینکه تعداد مسیحیان افزایش یافت، مشکلات بروز کرد. این مشکلات به همان سال اول مسیحیت بر می‌گردد (اعمال ۶). ظرف چند سال بعدی، مشکلات دیگری بروز کرد که مستلزم رسیدگی بود. شورای اورشلیم (اعمال ۱۵) فقط یک نمونه از آن است؛ این شورا که در سال ۴۸ میلادی تشکیل شد، حاکی از تشکیلاتی بسیار منظم در کلیسای اورشلیم می‌باشد. رسالات شبانی پولس (اول و دوم تیموتاؤس و تیتوس) بیانگر این است که در دهه ۶۰ میلادی، کلیساها دیگر از تشکیلاتی منظم برخوردار بودند؛ در این رسالات،

اصلاح کنید. نقش شبان در کلیسای امروز بسیار بزرگ شده است، در حالیکه در عهدجدید، شبان همان معلم است و فقط عضوی از کلیساست، نه سر آن. من این امر را در ... (نام کشور محل اقامت خواننده) می‌بینم و احساس می‌کنم که این مانع اصلی بر سر راه اتحاد و محبت میان مسیحیان و رشد ملکوت خدا می‌باشد... بهتر است که در مجله‌تان نقش شبان و مسؤولیت‌های او را بیشتر از دیدگاه کتاب مقدس تعریف کنید... ما باید بیاموزیم که بیش از پیش ساده (کتاب مقدسی) خدمت کنیم، نه ساده‌تر از آن. ما ایرانیها امکان برخورداری از کلیسای تشکیلاتی (از نظر ساختمان و برنامه) را نداریم... من احساس می‌کنم که برخی از مقالات مجله شبان بیشتر مخصوص خادمان کلیساهای تشکیلاتی است. ممنون می‌شوم که نظراتان را بدانم.

پاسخ

برای اینکه به این سؤال طولانی پاسخی درست بدهیم، لازم است مطالب آن را دسته‌بندی کنیم. سؤال این خواننده عزیز را می‌توانیم به صورت زیر خلاصه و جمع‌بندی کنیم:

- ۱- کلیسای اولیه شکل ساده‌تری داشت.
- ۲- در کلیسای اولیه، اتکای اعضا به روح القدس بود نه به شبان. مدیر کلیسا روح القدس بود، نه شبان.
- ۳- در کلیسای اولیه، شبان فقط عضوی از کلیسا

در شماره گذشته، در صفحه ۱۱ عنوان کردیم که از دو نفر از خوانندگان مجله سؤالاتی دریافت کرده‌ایم که پاسخگویی به آنها نیاز به فضای بیشتری دارد. لذا در این شماره، از آقای آرمان رشدی خواستیم تا بجای مقاله «سخنان شایسته تعلیم صحیح»، به این سؤالات پاسخ دهند. لذا این دو صفحه را اختصاص می‌دهیم به پاسخگویی به این دو سؤال.

سؤال اول

(توضیح اینکه هر دو سؤال توسط ای‌میل و به زبان انگلیسی نوشته شده و ما در اینجا می‌کوشیم متن انگلیسی آنها را دقیقاً به فارسی برگردانیم)

صورت سؤال: «وقتی عهدجدید را می‌خوانم، متوجه می‌شوم که کلیسا در مقایسه با امروز شکل ساده‌تری داشت. نقش روح القدس در آن زمان واقعاً رهبری کلیسا بود زیرا مردان و زنان به او وابسته بودند. در حالیکه امروز، شاهدیم که چگونه اعضای کلیسا وابسته و متکی به شبان و برنامه‌های او می‌باشند، و شبان مدیر یا رهبر اصلی کلیسا است، طوری که اگر خادمی علم مدیریت اجتماعی را بدانند، می‌بایست قادر باشد تا کلیسا را هدایت کند، خواه تحت هدایت روح القدس باشد یا نباشد. رهبری روح القدس توسط برنامه‌های شبان جایگزین شده، و اطاعت از خداوند توسط اطاعت از شبان. اگر اشتباه می‌کنم، لطفاً مرا



بود.

حتی اعضای که در جلسات عمومی به زبانها سخن می‌گفتند یا نبوت می‌کردند، می‌بایست تحت کنترل و تشخیص باشند (اول قرنیتان ۲۹:۱۴). همه اعضا، چه در آن روزگار و چه امروز، باید از روح‌القدس پر باشند، اما همه چیز باید در هماهنگی و انتظام باشد تا هرج و مرج بوجود نیاید. مسؤول برقراری این هماهنگی و انتظام، رهبران می‌باشند چرا که همانطور که دیدیم، ایشان از سوی خداوند مقرر شده‌اند. به همین دلیل، مسؤولیت ایشان بسیار سنگینتر است و باید پر از روح‌القدس باشند، یعنی پر از فروتنی و محبت و گذشت.

آگاهی از مدیریت یا سایر علوم هیچکس را شبان نمی‌سازد، اما شبان در دنیای پیچیده امروز حتماً باید با علوم انسانی آشنایی داشته باشد. علم فقط وسیله است. خادم خدا می‌تواند از علم برای پیشرفت ملکوت خدا استفاده کند، همانطور که از اتومبیل استفاده می‌کند. اگر کسی به علم خود مغرور شود، می‌تواند به اتومبیل خود نیز مغرور شود! عیب از اتومبیل نیست، از صاحب آن است! از این است که شخص از روح‌القدس پر نیست و نفس خود را تسلیم او نساخته است.

علت اختلاف میان کلیساها

۴- لذا اگر امروز میان کلیساها اختلاف و عدم اتحاد وجود دارد، بخاطر ساختمان یا تشکیلات یا تحصیلات خادمین نیست، بخاطر این است که بعضی از خادمین روح و جان کلام خدا را که همانا فروتنی است، درک نکرده‌اند. ملکوت خدا جای جاه‌طلبی و ریاست‌طلبی و سلطه‌جویی نیست. اینها شیطانی است (یعقوب ۱۳:۳-۱۸). اگر خادمین از روح فروتنی مسیح پر باشند، با وجود ساختمان و تشکیلات و سواد، باز فروتن خواهند بود و یکدیگر را پذیرفته، محبت خواهند نمود.

همین امر را در فصل ۱۵ اعمال می‌بینیم. به محض اینکه مشکلی عقیدتی پیش آمد، نه فقط اعضای عادی، بلکه رسولان برجسته‌ای همچون پولس و برنابا فوراً به اورشلیم و به مقاماتی نظیر پطرس و یعقوب مراجعه کردند. تصمیمی نیز که آنان گرفتند، نتیجه بحث و تبادل نظر خودشان بود اما آن را چنین توصیف کردند: «روح‌القدس و ما صواب دیدیم...» (۲۸:۱۵)، چرا که ایشان فکر مسیح را داشتند (اول قرنیتان ۱۶:۲ و همچنین ر.ش. مقاله «هدایت روح‌القدس»، شماره قبل، ص ۷).

به همین شکل، در تمام عهدجدید می‌بینیم که چگونه رسولان یا شبانان یا رهبران نقشی حیاتی را در حیات کلیسا ایفا می‌کردند. پولس و برنابا در پایان سفر اول بشارتی‌شان «در هر کلیسا، به جهت ایشان کشیشان معین نمودند» (اعمال ۲۳:۱۴). همچنین پولس بر سر راهش به اورشلیم، در پایان سفر سومش، در نزدیکی افسس توقفی کوتاه داشت و «به افسس فرستاده، کشیشان کلیسا را طلبید» (اعمال ۱۷:۲۰). علاوه بر همه اینها، رهبران را خود عیسی مسیح به کلیسا بخشیده تا «بدن» خود را بنا کند و اعضای کلیسا بدنال تعالیم منحرف نروند (افسیان ۱۱:۴-۱۴). نویسنده رساله به عبرانیان، اعضای کلیسا را به اطاعت از رهبران دعوت می‌کند و وظیفه خطیر ایشان را مورد تأکید قرار می‌دهد (عبر ۱۷:۱۳). پطرس نیز کشیشان (پیران یا مشایخ) را ترغیب می‌کند که «گله» را بخوبی شبانی کنند و جوانان را فرا می‌خواند تا مطیع ایشان باشند (اول پطرس ۵:۱-۵). و دهها آیه نظیر این در عهدجدید یافت می‌شود که بر اهمیت نقش رهبران تأکید می‌گذارد.

رهبر باید پر از روح‌القدس باشد

بله، روح‌القدس مدیر بود اما از طریق رهبران. در کلیسای اولیه هرج و مرج نبود، بلکه می‌بایست همه چیز «به شایستگی و انتظام باشد» (اول قرنیتان ۴۰:۱۴).

پولس شرایط احراز مقام کشیشی و شماسی را بیان می‌دارد و وظایف آنها را مشخص می‌سازد (مثلاً اول تیموتاؤس ۳). یوحنا رسول که در اواخر قرن اول کتاب مکاشفه را نوشت، آن را خطاب به «فرشته‌ها» یعنی شبانان کلیساها نوشت و آنان را مسؤول وضعیت روحانی کلیساها شمرد (مثلاً مکا ۱۲:۲-۱۵). سپس وارد تاریخ کلیسا می‌شویم. محض نمونه فقط به رساله‌های ایگناتیوس اشاره می‌کنیم که در حدود سال ۱۱۰ نوشته شده است. او در رسالات خود، سلسله‌مراتب رهبری کلیساها را اسقفان، کشیشان، و شماسان بر می‌شمارد. لذا می‌بینیم که به تدریج که شمار مسیحیان رو به فزونی گذارد، ضرورت ایجاد می‌کرد که سازمان و تشکیلات مشخصی برای اداره کلیساها وجود داشته باشد. ما در دنیای پیچیده امروز نمی‌توانیم به شکل و تشکیلات ساده سال اول مسیحیت باز گردیم، کماینکه رسولان هم، طبق شرح فوق، دیگر نمی‌توانستند چنین کنند.

نقش مهم خادم در کلیسای اولیه

۲ و ۳- خواننده ما مرقوم فرموده بودند که «نقش روح‌القدس در آن زمان واقعاً رهبری کلیسا بود زیرا مردان و زنان به او وابسته بودند». اما متأسفانه هیچ آیه‌ای دال بر اینکه اعضای کلیسا فقط متکی به روح‌القدس بودند و نه به شبان، ذکر نکرده و نوشته‌اند که چگونه به چنین امری پی برده‌اند.

اما طبق شواهد کتاب اعمال رسولان، می‌بینیم که اتفاقاً اعضای کلیسا در همان سال یا ماههای اول مسیحیت چقدر به رهبران کلیسا متکی بودند. باز به اعمال فصل ۶ برگردیم. اعضای کلیسا به محض اینکه به کوچکترین مشکل اداری برخوردند، فوراً به سراغ خود رسولان رفتند. ایشان نیز با درایتی کامل، مسأله را حل کردند؛ راه حال آنان نیز تعیین چند تن «رهبر» (یعنی چند انسان نه روح‌القدس) برای رفع و رجوع مشکل

طرح کلی برای تهیه موعظه

از ت استیوارت

شراکت در زحمات مسیح

اول پطرس ۴: ۱۲-۱۹

- زحمت در راه مسیح سبب می‌شود که در جلالش شریک شویم (اول پطرس ۴: ۱۳)
- زحمت در راه مسیح شجاعت ما را برای مسیح می‌افزاید (فیلیپیان ۱۲: ۱-۱۴)
- زحمت می‌تواند پلی باشد بسوی زندگی کسانی که در زحمت هستند (اول تسالونیکیان ۵: ۱-۶)
- زحمت سبب می‌شود بگونه‌ای نوین به کفایت مسیح پی ببریم (اول پطرس ۵: ۶-۱۰)
- زحمت همراه با پیروزی مسیح، شهادتی است نیرومند (کولسیان ۱: ۱۴؛ دوم تیموتاؤس ۲: ۱۴)

۱- مقدمه

- تعجب نکنید از این که با زحمات مواجه می‌شوید (اول پطرس ۴: ۱۲)، زیرا عیسی ما را برای آن آماده ساخت.
- عیسی وعده داد که زحمات خواهد بود (متی ۵: ۱۱)
- زحمات تأیید می‌کند که شما مسیح را پیروی می‌کنید (دوم تیموتاؤس ۳: ۱۲)
- زحمات در زندگی پیرو عیسی ثمربخش است (اول پطرس ۴: ۱۳-۱۲)

۲- ثمره زحمات در زندگی پیروان عیسی چیست؟

- زحمات فرزندان خدا را پاک خواهد ساخت (اول پطرس ۵: ۱۰)

آگهی

مؤسسه «تعلیم» برای ده شرکت‌کننده، بورس اعطا می‌کند.

● نشریات مؤسسه «تعلیم»

- مؤسسه «تعلیم» مفتخر است جزوات و مقالات زیر را در دسترس خوانندگان خود قرار دهد:
- موعظه کتاب مقدسی، نوشته ت استیوارت.
- تشخیص اراده خدا، نوشته ت استیوارت.
- نگاهی اجمالی به علم تفسیر کتاب مقدس، نوشته آرمان رشدی.
- بیماریهای شبانی، نوشته نینوس مقدس‌نیا.

● دومین کنفرانس رهبران

- مؤسسه «تعلیم» و مؤسسه ICI (Iranian Christian Int'l) متحداً دومین کنفرانس سالانه رهبران را مخصوص خادمینی که در سمت‌های رهبری هستند، بشرح زیر برگزار می‌کند:
- تاریخ: ۲۰ تا ۲۵ ژوئن (جون، یونی) ۲۰۰۳
- محل: Boulder در Colorado (آمریکا)
- موضوعات:
- رهبر در مقام ایجادکننده ارتباط؛ معلم: سارو خاچیکیان
- اشتیاق رهبران به خدا؛ معلم: ت استیوارت
- برای ثبت‌نام از هم‌اکنون با ICI با این شماره تلفن تماس حاصل
- بفرمایید: 10 719-596 00 +1

پتھان